
انسان دارای شخصیت سالم در صحیفه سجادیه و بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام

زینب طیبی^۱ (نویسنده مسئول)
زهرا بهمنی^۲

چکیده

بررسی رشد و سلامتی انسان بدون پژوهشی اساسی درباره شخصیت بی نتیجه خواهد بود. اسلام به عنوان یک دین کامل به تمام جوانب فردی و جمعی انسان برای رسیدن به هدف نهایی پرداخته است و برنامه هدایت را در اختیار انسان قرار داده است. اسلام همانگونه که اصل زندگی دنیا را مقدمه‌ای برای زندگی جاودانه جهان آخرت دانسته است، سلامتی شخصیت انسان را نیز مقدمه سلامتی برای آن زندگی برشمرده است. نوشتار حاضر در صدد بررسی دیدگاه‌های اسلام در رابطه با ویژگی‌های انسان سالم و کامل با محوریت امام سجاده علیه السلام و بیانات رهبری است. به همین منظور، نگارنده با استفاده از روش کتابخانه‌ای و توصیف و تحلیل داده‌ها، سعی در شناسایی معیارهای انسان کامل از نگاه منابع اسلامی و رهبر معظم انقلاب اسلامی دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در

۱. استاد یار علوم و قرآن حدیث دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. Ztayyebi62@gmail.com
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات بوشهر.
Zahra. bahmani. 24@gmail.com

صحیفه سجادیه ویژگی‌های انسان دارای شخصیت سالم در سه مقوله ارتباط با خدا، زندگی فردی و زندگی اجتماعی آمده است. رهبرمعظم انقلاب نیز در بیانات مختلف خود و در جلسات متعدد خود با مردم و مسئولین، به این معیارها برای رسیدن به کمال اشاره کرده است. معظم له در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به معنویات و رشد کمالات برای رسیدن به موفقیت در تمام عرصه‌های مختلف زندگی و دوری از رذایل اخلاقی مانند کبر و غرور پرداخته‌اند و معنویت را سبب روحیه‌ی جهادی در بین مردم جامعه و نوع دوستی دانسته‌اند. از منظر امام سجاد علیه السلام، یکی از راه‌های رشد انسان از خود گذشتگی و خدمت به خلق است و رسیدن به کمال مستلزم زندگی در جامعه سالم، متحد و عشق و محبت به خداست و سخنان رهبری نیز منطبق با صحیفه سجادیه است.

کلیدواژه‌ها: انسان، شخصیت سالم، صحیفه سجادیه، رهبر معظم انقلاب اسلامی.

مقدمه

موضوع انسان کامل از جمله مباحثی است که در رشته‌های مختلف علمی به آن پرداخته شده است و هر رشته علمی با توجه به ماهیت خود به ابعاد متناسب با آن به موضوع پرداخته است، از جمله این علوم، علم اخلاق، روانشناسی و فلسفه را می‌توان نام برد. در ادیان متفاوت نیز به بررسی انسان کامل پرداخته شده است و از این میان دین اسلام به عنوان کاملترین دین به طور کامل و جامع به ویژگی‌های انسان کامل در تمام ابعاد فردی و جمعی پرداخته است.

بدون تردید، اگر ما انسان کامل اسلام را شناسیم، قطعاً نمی‌توانیم يك مسلمان تمام و یا کامل باشیم و شناخت انسان کامل از نظر اسلام دو راه دارد: يك راه این است که ببینیم قرآن در درجه اول و سنت در درجه دوم، انسان کامل را چگونه توصیف کرده‌اند و راه دوم شناخت انسان کامل این است که افرادی عینی را بشناسیم که مطمئن هستیم آن‌ها آن‌چنان که اسلام و قرآن می‌خواهد ساخته شده‌اند و وجود عینی انسان‌های کامل اسلامی هستند خود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله انسان کامل اسلام است. حضرت علی علیه السلام نمونه دیگری از

انسان کامل اسلام است. شناخت علی علیه السلام، شناخت انسان کامل اسلام است». (مطهری، ج ۹۶، ۲۳).

اولین کسی که تعبیر انسان کامل را مطرح کرد عارف معروف، محیی الدین عربی اندلسی طایی است و پس از او کسانی دیگر مانند: صدرالدین قونوی و عزیز الدین نسفی و عبدالکریم جیلی، کتاب‌های مستقلی به این نام تألیف کرده‌اند. (مطهری، ج ۵۷، ۱۴). البته تألیف کتاب در موضوع انسان کامل تا روزگار ما ادامه داشته و کتاب‌های مستقل و نیمه مستقلی در این زمینه نوشته شده است؛ مانند «امام علی علیه السلام، انسان کامل» از محمود حکیمی، «انسان کامل از دیدگاه نهج‌البلاغه و نهج‌الولایه» از حسن زاده آملی، «سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب» از عبد الله نصری، «انسان آرمانی و کامل در ادبیات حماسی و عرفانی فارسی» از حسین رزمجو، «الگوی انسان کامل با رویکرد روان‌شناختی» از ابوالقاسم بشیری و کتاب «انسان کامل از دیدگاه امام خمینی ره و عارفان مسلمان» از محمد امین صادقی ارزگانی، اما در هیچیک از آثار یادشده به بررسی ابعاد انسان دارای شخصیت سالم از منظر صحیفه سجادیه و بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی ﷺ اختصاص نیافته است.

دین اسلام به هر دو جنبه جسم و روح انسان اهمیت داده است و راه رشد و رسیدگی به این دو بعد را به شیوه‌های مختلف به انسان نشان داده است، یکی از این راه‌ها که از طریق آن دستورات اخلاقی برای رشد روحی انسان بکار رفته است، دعاهای ائمه اطهار است که یکی از این مجموعه دعاها، صحیفه سجادیه امام سجاد علیه السلام است که در بُعد فردی و اجتماعی، ویژگی انسان کامل را بیان نموده است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی ﷺ در جاهای متعددی از کتاب‌ها و بیانات خود به مسئله رشد و کمال انسان پرداخته‌اند و مردم را به اخلاق و کمال‌یابی دعوت کرده‌اند و یکی از راه‌های خدمتگزاری صحیح را رشد اخلاق و نگاه توحیدی به زندگی دانسته‌اند. ایشان می‌فرمایند:

«معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان

در خود و در جامعه است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است» (خامنه‌ای، قرن ۱۵، ص ۳۷) و (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

۱. دیدگاه‌های اسلامی در مورد انسان سالم

همانطور که گفتیم دین اسلام یک دین جامع در زمینه رشد کمال و فرح بخشی و رضایت بخشی به انسان است. در این بخش، دیدگاه‌های اسلامی پیرامون انسان مطلوب، با شرح اختصاری ویژگی‌های برگرفته از آیات قرآن و سخنان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه مورد بررسی قرار خواهند گرفت و در ادامه بحث به دیدگاه‌های مطرح شده توسط امام سجاد علیه السلام درباره‌ی ویژگی‌های انسان مطلوب که در قالب ادعیه در کتاب صحیفه سجادیه آمده‌اند و بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام پرداخته خواهد شد.

یک) دیدگاه قرآن کریم در مورد انسان سالم

از آن جا که قرآن کریم به تمامی ابعاد و شئون وجودی انسان توجه کرده و او را موجودی دو بعدی (روحانی - جسمانی) معرفی می‌کند، این بخش به روان‌شناسی شخصیت سالم با توجه به سه بُعد وجود آدمی یعنی، گرایش و گروه، بینش و نگرش و روش و منش بر اساس آموزه‌های قرآن کریم می‌پردازد. از دیدگاه قرآن، سیمای انسان کامل با ویژگی‌های ذیل ترسیم شده است:

تواضع و فروتنی (مائده: ۵۴، فرقان: ۶۳، شعراء: ۲۱۵)؛
حلم و بردباری در برابر جاهلان (فصلت: ۳۴، فرقان: ۶۳، اعراف: ۱۹۹)؛
میان‌روی در انفاق (فرقان: ۶۳ و ۶۷)؛
یکتاپرستی (فاطر: ۱۵، شوری: ۵۳)؛
احترام به جان انسان‌ها (فرقان: ۶۸، نساء: ۹۳)؛
عفت و پاکدامنی (بقره: ۲۷۳، نساء: ۶)؛
عدم حضور در مجالس گناه (نساء: ۱۴۰، انعام: ۶۸)؛
نیایش در دل شب (مزمّل: ۷-۶)؛
داشتن جسم سالم (مائده: ۹۶، نحل، ۱۴).
علاوه بر موارد ذکر شده در بسیاری از آیات قرآن، ویژگی‌های انسان مطلوب ذکر شده که در سوره‌های مؤمنون، بقره، معارج، فرقان، نور، آل عمران و... به آن‌ها اشاره شده است (ابوترابیان و پرچم، ۱۳۹۱).

دو دیدگاه نهج البلاغه در مورد انسان سالم

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، انسان مطلوب را با ویژگی‌های فرد پارسا و متقی توصیف می‌کند و او را دارای ویژگی‌های خاصی از جمله، پرهیزگاری، رضا به تقدیر، خلوت‌گرایی، تفکر، انس با طبیعت، سکوت، بخشش و خدمت به خلق، دوری از شعار و خودنمایی و پرهیز از خشونت می‌داند. همچنین فرد پارسا و انسان کامل، اهل مناجات و عبادت است، نسبت به دیگران و جامعه احساس مسئولیت می‌کند و با مخالفان عقیدتی خود مرزبندی مشخص و معینی دارد (رهنمایی، ۱۳۹۷).

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، پرهیزکاران را به عنوان برجسته‌ترین نمونه انسان‌های کامل و با ویژگی‌های دیگری از جمله این موارد معرفی می‌کند: توجه به ارزش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی و سعی در تقویت آن‌ها، یاد خدا و شکرگزاری نعمت‌هایش، نیرومند، نرم‌خو و دوراندیش در دینداری، مؤمن سرشار از یقین، حریص در کسب دانش، عالم بردبار، توانگر

میانه‌رو، عابد فروتن، آراستگی در حین تَهی‌دستی، بُردباری در سختی‌ها، به دنبال کسب حلال، شادمان در راه هدایت، دوری از حرص و آز، انجام اعمال نیکو، ترس از غفلت، شادمان از فضل و رحمت الهی، بصیرت و آگاهی، حرکت در مسیر هدایت، مناجات‌های شبانه، ترس از خدا، پرهیزگار، استفاده از فرصت‌ها، روابط اجتماعی خداپسندانه، خودسازی، یاد خدا و آخرت، حسابرسی اعمال، شایستگی در اخلاق فردی، خانوادگی، اجتماعی، دینی، خودشناسی و تقوا (کریم خانی، ۱۳۸۴).

سه) دیدگاه صحیفه سجادیه در مورد انسان سالم

در کتاب صحیفه سجادیه که متعلق به امام سجاد علیه السلام است و پیام‌ها و آموزه‌های آن در قالب دعا ذکر شده، در بخشی از آن به نام مکارم اخلاقی، با ویژگی‌هایی از انسان مطلوب مواجهه می‌شویم که می‌توان آن را در سه مقوله ارتباط با خدا، زندگی فردی و زندگی اجتماعی مورد بررسی قرار داد (خاکسار، ۱۳۷۴).

الف) خدمت به خلق

در صحیفه سجادیه زین العابدین علیه السلام که بعد از قرآن و نهج البلاغه، سومین کتاب ارزشمند شیعیان است، ویژگی‌های انسان مطلوب و راه‌های رسیدن به کمال به روشنی بیان شده است. در فراز سوم دعای مکارم الاخلاق، حضرت سجاد علیه السلام، یکی از راه‌های رشد انسان را از خود فراتر رفتن و خدمت به خلق می‌داند. آنجا که امام سجاد علیه السلام است می‌فرماید: «أَجْرٌ لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيِ الْخَيْرِ وَ لَا تَمَحِّقُهُ بِالْمَرْءِ، وَ هَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ، وَ اغْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ؛ کارهای خیر برای مردم را بدست من اجرا کن و کار خیرم را با منت گذاردن ضایع و نابود نکن و مرا به بالاترین زیورها و ارزش‌های اخلاق، آراسته کن و مرا از فخر مصون دار» (صحیفه سجادیه، دعای بیستم).

توازن و تعادل ظاهری و باطنی که حضرت سجاد علیه السلام از حضرت حق می‌طلبد، عامل سعادت و خیر دنیا و آخرت و موجب رسیدن فیض الهی انسان است. با این توازن، انسان

نسبت به حق پایدار و ثابت می ماند و نسبت به خلق، عاشقانه در مقام خدمت و یاری به برمی آید. همچنین، کرامت و شخصیت انسان همچون گل در گلستان شکوفا می شود و هرگونه خیری از دست او برای نجات مردم از مشکلات بروز می کند (انصاریان، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۲۹۰)

رهبر معظم انقلاب اسلامی ﷺ نیز درباره خدمت به خلق، سخنان فراوانی را ایراد کرده اند، ایشان می فرمایند:

«يك توفيق بزرگ برای هرکسی، توفیق خدمت است. از نظر خداوند متعال، خدمت به انسانها فی نفسه يك ارزش و يك حسنه است. اگر آن مردمی که به آنها خدمت می کنید، دارای امتیازاتی باشند مثل ایمان، مثل جهاد، مثل انگیزه های عالی در حرکت های اجتماعی، خدمت به آن مردم ارزش مضاعف پیدا می کند» (خامنه ای، ۱۳۸۹، ج ۳۲، ص ۴۷).

معظم له به خدمت با اخلاص و آثار آن در زندگی اشاره می کنند: «با نام و یاد خدا، برای خدمت به خلق خدا نیت کنید. وقت را مصروف خدمت کنید، مصروف کار کنید، قصد را خدایی کنید و آنچه را که وظیفه ی شما است، با اخلاص و به بهترین وجهی انجام دهید» (خامنه ای، ۱۳۹۸، ص ۶۷۵) همچنین می فرمایند: چیزی که میتواند دل مردم را به طرف ما جلب کند اخلاص لله است. این، راز قضیه است. یکی از حکم قرآنی و یکی از حکم اسلامی، این است. این، خودش حکمت است. حکمت یعنی اینکه من و شما، اگر میانه ی خودمان را با خدا درست کنیم، خدا میانه ی ما را با مردم، درست خواهد کرد. راه دیگری وجود ندارد. حکمت، یعنی این! حقیقتی است فراتر از محاسبات مادی و حقیق؛ اگر شما برای خدا کار کردید و در راه خدا قدم برداشتید، خدا مشکل شما را با مردم، حل خواهد کرد. راه، این است. یعنی اگر انسان، حتی قصد جلب نفوس را هم داشته باشد، راهش این است که با صمیمیت عمل کند. اما ما باید قصدمان از این هم بالاتر باشد. ما باید تکلیفمان را انجام دهیم» (همان منبع).

رهبر انقلاب اسلامی ﷺ، خدمت به خلق را محدود به شیوه خاصی نمی کنند و در

قالب‌های متعدد، خدمت به خلق را به همه ما معرفی و انسان‌ها را به آن دعوت می‌کنند: «خدمت به کشور از راه‌های مختلفی ممکن است؛ یکی از بهترین راه‌های خدمت به کشور از راه علم است. خب، سیاستمدارها هم خدمت به کشور می‌کنند؛ مجاهدان راه خدا و رزم‌آوران میدانهای جنگ هم خدمت به کشور می‌کنند، تجار و بازرگانان و بقیه هم خدمت به کشور می‌کنند، صنعتگران هم خدمت به کشور می‌کنند؛ اما یکی از راه‌های برجسته‌ی خدمت به کشور، از راه علم است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷، ص ۲۴)

ب) ارتباط با مردم

یکی از راه‌های به کمال رسیدن، زندگی در جامعه سالم و متحد است. این امام همام در کتاب سرشار از معارف خود به فضیلت برقراری ارتباط با مردم و شیوه‌ی صحیح آن اشاره کرده است و در فراز ۱۱ دعای مکارم الاخلاق می‌فرماید:

حَلِّبْنِي بِحَلِيَّةِ الصَّالِحِينَ، وَ اَلْبَسْنِي زِيْنَةَ الْمُتَّقِيْنَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَ كَظْمِ الْغَيْظِ، وَ اِظْفَاءِ النَّائِرَةِ، وَ صَمِّ اَهْلَ الْفُرْقَةِ، وَ اِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَ اِنْتِشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَ سِتْرِ الْعَائِبَةِ، وَ لِيْنِ الْعَرِيْكَهٖ، وَ خَفْضِ الْجَنَاحِ، وَ حُسْنِ السِّيْرَةِ، وَ سُكُوْنِ الرِّيْحِ، وَ طِيْبِ الْمُخَالَقَةِ، وَ السَّبْقِ اِلَى الْفَضِيْلَةِ، وَ اِيْثَارِ التَّفَضُّلِ، وَ تَرْكِ التَّغْيِيْرِ، وَ الْاِفْضَالِ عَلٰى غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ، وَ الْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَ اِنْ عَزَّ، وَ اسْتِفْذَالِ الْخَيْرِ وَ اِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ اسْتِكْتَارِ الشَّرِّ وَ اِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ اَكْمَلْ ذٰلِكَ لِيْ بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَ لُزُوْمِ الْجَمَاعَةِ، وَ رَفْضِ اَهْلِ الْبِدْعِ، وَ مُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ؛ (علی بن حسین، ۱۳۷۶، ص ۹۷-۹۶)؛

مرا به زینت صالحان آراسته فرما و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان تا در گسردن عدل و فرو نشاندن خشم و خاموش کردن آتش کینه و پیوند دل‌های پراکنده و اصلاح و آشتی برقرار کردن میان مردم و فاش کردن نیکی‌ها و پوشاندن زشتی‌ها و عیب‌ها، و نرم‌خویی و تواضع و خوش‌سیرتی و استوار گامی و معاشرت نیک، پیشتازی به سوی نیکی‌ها و برگزیدن احسان و تفضل و ترک سرزنش و ترک همکاری با ناهلان و به حق سخن گفتن هرچند که سخت باشد، کم دانستن نیکی در گفتار و کردار هر چند که بسیار باشد و زیاد شمردن بدی در

گفتار و کردار هر چند که کم باشد، شایسته‌ی زیبایی و آراستگی صالحان گُردم و همه‌ی این‌ها را که با اطاعت مداوم و همراهی با جماعت و رها کردن بدعت‌گزاران و آنان که رأی و نظر اختراع شده بکار گیرند، کامل بفرما.

همان‌طور که در این فراز دعا مشاهده می‌شود، حضرت با بیان فصیح و شیوا، راه صحیح زندگی کردن را به ما می‌آموزد و شرایط رشد و کمال را برای ما روشن می‌کند. در منابع دیگر دین اسلام نیز به حُسن معاشرت و فواید آن اشاره شده است که در ادامه به ذکر چند مورد از آن‌ها بسنده می‌کنیم:

ارزش معاشرت با همگان

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَأُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا (نساء: ۳۶)؛

و خدا را بپرستید و چیزی را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه‌ی نزدیک و همسایه‌ی دور و همنشینان و همراهان و در راه ماندگان و بردگان نیکی کنید؛ یقیناً خدا کسی را که متکبر و خودستاست، دوست ندارد.

حضرت باقر علیه السلام از امیر المؤمنین علیه السلام، روایت می‌کند که به دسته‌ی یکی از شمشیرهای رسول خدا صلی الله علیه و آله سه جمله نوشته بود: صله رحم کن با آن‌که با تو قطع رابطه کرده، حق بگو، گرچه به ضرر خودت باشد و نیکی کن به کسی که با تو بدی کرده است (ر. ک: انصاریان، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۳۷۳).

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «سه چیز است که هرکس با یکی از آن‌ها همراه باشد، خداوند بهشت را بر او واجب می‌گرداند. انفاق به وقت تنگدستی، گشاده رویی با تمام مردم جهان و از جانب خود به دیگران انصاف دادن» (همان، ص ۳۷۷). همچنین از ایشان نقل شده است: «حسن معاشرت با خلقان در غیر معصیت، از زیادتی توجّه و فضل الهی است

بر بنده‌ی خود، و هر که در خفیه به خدای خود خاضع و خاشع است، البته سلوکش با مردم در علانیه نیکو است، و اگر خلق کسی با مردم در علانیه بد است، خوف الهی اش در خفیه کم است» (شهید ثانی، ۱۳۷۷، ص ۲۹۱).

حضرت آیت الله خامنه‌ای علیه السلام نیز در سخنان گهربار خود بارها به نکات اخلاقی فردی و جمعی تاکید داشته‌اند و توصیه‌های فراوانی به مردم و مسئولین در زمینه‌های مختلف اخلاقی کرده‌اند. ایشان در یکی از بیانات خود فرموده‌اند:

«و اما اخلاق الهی و مکارم اخلاق در شرع مقدّس اسلام، توضیح و تفصیل داده شده است؛ چه آن چیزهایی که مربوط به خود انسان است - مثل صبر، شکر، اخلاص و قناعت - . چه آن‌ها که در رابطه با انسان‌های دیگر است - مثل گذشت، تواضع، ایثار و تکریم انسانها - و چه چیزهایی که در رابطه با مجموعه‌ی جامعه‌ی اسلامی است. اخلاق اسلامی دامنه‌ی وسیعی دارد. این‌ها همان چیزهایی است که بیشترین تلاش همه‌ی انبیا و اولیا و بزرگان ادیان الهی - و در اسلام، تلاش نبی مکرم اسلام و ائمه و بزرگان - برای آن بوده است که این‌ها به وجود آید» (خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۷۵، ص ۳۰).

معظم له در جایی دیگر فرموده‌اند:

“در جامعه‌ای که بد عمل کردن نسبت به محرومان با بی‌اعتنا بودن نسبت به آنان همراه نباشد؛ مال مردم خوردن وجود نداشته باشد؛ اگر خُلُقِیات اسلامی همان چیزهایی که در اسلام برای يك انسان فضیلت است، همان چیزهایی که به تعبیر روایات، جنود عقل است (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۰۱) رواج پیدا کند؛ مردم اهل صبر و استقامت باشند؛ اهل توکل و تواضع و حلم باشند، نسبت به یکدیگر بدبین نباشند؛ نسبت به احوال یکدیگر بی‌تفاوت نباشند؛ نسبت به سرنوشت جامعه قناعت وجود داشته باشد؛ زیاده‌روی و اسراف و ریخت‌وپاش و این چیزها نباشد و نشانی از حرص و افزون‌طلبی در امور مادی نباشد، این جامعه به بهشت و گلستان تبدیل می‌شود. گرفتاری امروز مردم دنیا، حتی کشورهای ثروتمند و پیشرفته، این چیزهاست. تهی‌دستی از اخلاقیات است که انسانیت را

امروز در دنیا پریشان کرده است» (خامنه‌ای ﷺ، ۱۳۷۱، ج ۱۹، ص ۱). رهبر معظم انقلاب اسلامی ﷺ در زمینه امر به نیکی و هدایت مردم، اولویت را به خودسازی و اهل عمل بودن شخص هدایتگر داده‌اند و بیان داشته‌اند: «کسی که مردم را به نیکی امر می‌کند، اما خود او به آن عمل نمی‌کند؛ مردم را از بدی نهی می‌کند، اما خود او همان بدی را مرتکب می‌شود؛ چنین شخصی مشمول لعنت خدا می‌شود و سرنوشت بسیار خطرناکی خواهد داشت» (خامنه‌ای ﷺ، ۱۳۷۹، ج ۲۲، ص ۳۷)

د) آرامش

امام سجاده علیه السلام در فرازهای مختلف دعای مکارم الاخلاق درباره‌ی آرامش هیجانی که در دین اسلام همه چیز برای خداست و انسان زمانی به آرامش می‌رسد که بداند خداوند از او راضی است و حامی اوست. حضرت در فراز دوم دعای مکارم الاخلاق می‌فرماید: «اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِي إِنْ حَزَنْتُ، وَأَنْتَ مُنْتَجِعِي إِنْ حُرِمْتُ، وَ بِكَ اسْتِعَاثَتِي إِنْ كَرِهْتُ» (علی بن حسین، ۱۳۷۶، ص ۹۸)؛ پروردگارا، آنگاه که اندوهناک شوم، تو مایه‌ی سامان و خشنودی منی و آنگاه که محروم و نومیدگردم، فریادرس و امیدم تویی و آنگاه که گرفتاری به من رو آورد، فریاد رسم تویی. همچنین در دعای هفتم صحیفه سجادیه می‌فرماید: «يَا مَنْ نُحَلُّ بِهِ عُقْدَ الْمَكَارِهِ، وَيَا مَنْ يَقْتُلُ بِهِ حُدَّ الشَّدَائِدِ، وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ، ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ، وَ تَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ» (علی بن الحسین، ۱۳۷۶، ص ۵۲ و ۵۴)؛ ای آن‌که گره هر سختی بدست او گشوده شود و ای آن‌که تندی سختی‌ها بدست او می‌شکند، ای آن‌که راه بیرون شدن از تنگی و رفتن به سوی آسایش از او خواسته شود، دشواری‌ها به لطف تو آسان گردد و اسباب هرکاری به لطف تو سبب شوند.

رنج‌ها و سختی‌ها و دردها، پله‌های نردبان ترقی و رشد و تکامل هستند. برخورد انسان، اگر با مصایب، مکاره‌ها، سختی‌ها و دردها، هماهنگ با دستورهای حضرت حق باشد، سعادت همه جانبه‌ی انسان در پرتو آن تضمین می‌شود. جهان از خداست، انسان از خداست، پرونده‌ی هر موجودی از خداست، حرکات منظم تمام موجودات از خداست و

صحنه‌ی پهناور آفرینش از خداست، این انسان است که باید این واقعیت‌ها را با عمق قلب خود لمس کند تا تحمّل مشکلات و سختی‌ها که کلید حلّش به دست خداست بر او آسان شود و از آزمایش الهی سربلند بیرون آمده و به مقام قرب و توحید صفاتی و افعالی و ذاتی برسد و به سبب هموار کردن سختی‌ها به مقامات عالی‌هی ملکوتی نایل شود (انصاریان، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۱۶۰). چشیدن حقیقت توحید، آدمی را برای برخورد صحیح با مکاره و مشکلات آماده می‌کند و انسان را از این راه به اوج کمال انسانی می‌رساند (همان، ص ۱۶۱). قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «الْمَنْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ. وَ وَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ. الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ. وَ رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ. فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا. إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشرح: ۶-۱)؛ آیا سینه‌ات را [به نوری از سوی خود] گشاده نکردیم؟ و بار گرانت را فرو نهادیم؟ همان بار گرانی که پشتت را شکست. و آوازه‌ات را برایت بلند نکردیم؟ پس بی‌تردید با دشواری آسانی است. [آری] بی‌تردید با دشواری آسانی است.

رهبر انقلاب علیه السلام در جلسات متعدد به حالت آرامش روحی و اثرات آن اشاره کرده و این حالت را نشانه ایمان راسخ به خداوند متعال ذکر کرده‌اند. ایشان بیان داشته‌اند: «دین صحیح، حالت سکینه و اطمینان و آرامش و اعتماد به خود و اعتماد به خدا و اعتماد به آینده را به انسان می‌بخشد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷، ج ۲۰، ص ۳۶) و در ادامه اثرات این حالت روحی اشاره کرده‌اند:

«اثر این سکینه یعنی اطمینان و آرامش و عدم اضطراب و نداشتن تلاطم در مسئولان، این است که اگر مشکلی پیش آید، آن‌ها می‌توانند در سایه‌ی آن آرامش، تصمیم درست را اتخاذ کنند؛ دستپاچه و مضطرب و دل‌باخته‌ی در حوادث نشوند؛ مثل صخره‌ای، بلکه مثل کوهی، در مقابل حوادث دشوار و سخت بایستد و اگر خوشی و راحتی و گشایشی پیش آید، خود را گم نکنند. این هم یک خطر دیگر برای انسان‌های مؤثر است که به مجرد اینکه دستشان به جایی بند شد و تا در مقابل خود میدانی را مشاهده کردند و توانستند قبض و بسطی صورت دهند و احساس گشایش و آسایشی کنند، خودشان را گم کنند؛

تصمیم‌های عجولانه بگیرند؛ دیگران را تحقیر نمایند؛ خودخواهی‌های خودشان را گسترش و به آن میدان دهند. اگر «سکینه» باشد یعنی آن وقار و اطمینان الهی از این هم جلوگیری می‌کند؛ نمی‌گذارد کارهایی از انسان سرزنند که لازمه و نشانه‌ی انسان‌هایی کوچک است؛ انسان‌هایی که مثل پر کاه با هر نسیمی به حرکت در می‌آیند. در واقع انسانی که این سکینه را دارد، در این تشبیه، مثل اقیانوس پُرعمقی می‌شود که هر نسیم و هر وزش بادی نمی‌تواند او را توفانی کند. در فقر و غنا، در تنهایی و در کثرت، «سکینه» به درد انسان می‌خورد» (خامنه‌ای، بی تا، ج ۲۱، ص ۴۸).

ه) خود شناسی

یکی از راه‌هایی که به انسان کمک می‌کند که راه صحیح زندگی را پیدا کند و به هدف واقعی در زندگی دست پیدا کند، شناخت خود و ظرفیت‌های وجودی خود است. این‌که انسان بداند در برابر بزرگی خدا هیچ قدرتی ندارد و برای رشد و تعالی، بهتر است خود را به خدا بسپارد. حضرت در فرازهای بسیاری به این نکته توجه کرده است که ما به دلیل مجال کم به چند مورد آن اشاره می‌کنیم. امام سجاده علیه السلام در دعای هشتم در فراز اول تا پنجم صحیفه سجاده می‌فرمایند:

“پروردگارا به تو پناه می‌برم از هیجان حرص و آز و از شدت خشم و چیرگی حسد و سستی صبر و کمی قناعت و بدی اخلاق و افراط در شهوت و ملکهٔ عصبیت (طرفداری از باطل) و (به تو پناه می‌برم) از پیروی هوس و مخالفت هدایت و خواب غفلت و انجام کارهای سخت و مقدم داشتن باطل بر حق و اصرار کردن بر گناه و کوچک شمردن معصیت و سنگین دانستن طاعت و بندگی و (به تو پناه می‌برم) از فخر فروشی ثروتمندان و خوار و کوچک شمردن نیازمندان و بدرفتاری با زیردستانمان و ناسپاسی نسبت به کسی که به ما نیکی کرده است. و (به تو پناه می‌برم) از این‌که به ستمگری کمک کنیم یا این‌که ستمدیده‌ای را خوار گردانیم یا آن‌چه حق ما نیست، بخواهیم یا درباره‌ی علم از روی نادانی سخن بگوییم. و به تو پناه می‌بریم از این‌که قصد غش و خیانت به کسی را در سر بپرورانیم و

با اعمالمان به عجب و خودپسندی گرفتار شویم و آرزوهایمان را دراز کنیم.

امام علی علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «من لم يعرف نفسه بعد عن سبيل النّجاه و حبط في الضلال و الجهالات» آن کس که خود را نشناسد از راه سعادت و نجات دور افتاده و به بیراهه‌ی گمراهی و نادانی دچار می‌گردد» (آمدی، بی‌تا، ص ۷۰۶). از این رو حضرت علی علیه السلام، خودشناسی را بالاترین شناخت و معرفت برای انسان‌ها و بزرگترین نادانی را عدم آگاهی در مورد نفس خود می‌داند؛ زیرا این نادانی منتهی به جهل درباره آفریننده‌ی جهان و از جمله نفس انسانی می‌شود (حقانی، ۱۳۸۵، ص ۱۹).

عُجب در لغت، به معنای خودپسندی، خود برترینی، تکبر و از خود راضی بودن است (ر. ک. ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ذیل ماده «عُجب»). همین حالت زشت است که گروهی را در جوامع، عزیز بی‌جهت کرده و نفاق، دوئیت، بدبینی، جنگ‌ها و برتری نژاد را بر جامعه انسانی تحمیل می‌کند. انسان از خود راضی به چیزی و به کسی رحم نمی‌کند و میل دارد انسان‌ها در همه‌ی شؤون به او تعظیم کرده و برده‌ی او باشند و اگر تسلیم خواسته‌های وی نشوند به اشدّ مجازات محکوم می‌کند (انصاریان، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۱۴۲).

رهبر انقلاب علیه السلام شناخت نفس و خودسازی را پیش زمینه هدایت دیگران می‌داند و بر لزوم خودشناسی و خودسازی تأکید دارند و می‌فرمایند:

«پیش از آنکه انسان روی دیگران کار کند، اول روی خودش بایستی کار کند و اول با خودش بایست انسان آنچنان عملی را انجام بدهد که نفس خودش را در دست عقل خودش و ایمان خودش مقهور کند تا نفس نتواند سرکشی کند و نتواند هواهای خودش را بر اعمال انسان و بر رفتار انسان و بر افکار انسان حاکم و غالب بکند. عمده‌ی گرفتاری ماها اینجا است. ما اگر بتوانیم بر نفس خودمان غلبه پیدا کنیم، بر هوای نفس خودمان غلبه پیدا کنیم، آن وقت میدان برای عقل ما باز میشود تا حقایقی را بفهمد و نور معرفت الهی به او بتابد، و در [این صورت] انسان در قضایای مشتبه راهنمایی میشود. آن چیزی که خیلی‌ها را در شبهه نگه میدارد، در مسائلی که خیلی باید زود انسان به نتیجه برسد، زود تشخیص

وظیفه بدهد، زود حقیقت را بفهمد، زود دست دشمن را ببیند، زود راه صلاح و نجات را ببیند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰، ج ۲۳، ص ۱۸).

از نظر معظم له، اگر کسی راه خودشناسی و خودسازی را در پیش گیرد از رذیل اخلاقی فاصله می‌گیرد و دچار تکبر و غرور نمی‌شود، رهبر انقلاب در این زمینه می‌فرماید:

«یکی از صفاتی که مانع راه کمال انسانی است و در قرآن، به عبارات گوناگون و در جاهای فراوان و همچنین در روایات و فرمایشهای ائمه (علیهم‌السلام)، نسبت به آن صفت پرهیز داده شده‌ایم و برحذر داشته شده‌ایم، صفت تکبر و خودبزرگ‌بینی است. این صفت، برای پیشرفت انسان در مدارج معنوی، چیز بسیار خطرناکی است. هدف نهایی از این همه جنجال‌هایی که از اول تاریخ بوده است یعنی آمدن پیامبران، مبارزات فراوان، دو صف شدن حق و باطل، جنگ‌ها، نبردها، درگیری‌ها، صبرها بر مشکلات، تلاش عظیم اهل حق، حتی تشکیل حکومت اسلامی و استقرار عدل اسلامی تکامل و کمال انسان و نزدیک شدن او به خداست. همه چیز، مقدمه‌ی این است؛ ولی تکبر حالتی است که اگر در کسی وجود داشت، او دچار خودشگفتی می‌شود و وقتی خودش، کارش، معلوماتش و خصوصیات فردیش را مورد توجه قرار می‌دهد، حس اعجاب به او دست می‌دهد و به نظرش بزرگ و زیبا و مطلوب می‌آید. شاید بشود گفت که بزرگترین مانع و بدترین درد و بیماری در راه تکامل بشری، عبارت از خود را بزرگ دیدن، خود را پاک و بی‌غش دیدن، خود را قدرتمند و توانا دیدن و خود را برتر از دیگران مشاهده کردن است» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹، ج ۱۲، ص ۱۲).

و) توحید و یکتا پرستی

یکی از مسائلی که در زندگی به انسان نشاط می‌دهد و زندگی را برای انسان امید بخش می‌کند و رضایتمندی را در انسان بالا می‌برد، داشتن هدف در زندگی و راه رسیدن به آن هدف است، موضوعی که در دنیا انسان‌ها را بسیار گرفتار کرده و عده‌ای را به پوچی رسانده است، همین بی‌هدفی است. دین اسلام و مجموعه گرانسنگ صحیفه سجادیه به عنوان یکی از منابع ارزشمند دینی به این موضوع نیز پرداخته است و هدف اصلی زندگی که

رسیدن به مقام قرب الهی و یکتا پرستی هست را برای ما به روشنی بیان کرده است و با بیان صفات خداوند، انگیزه انسان را برای یکتا پرستی بالا برده است. حضرت سجاد علیه السلام در دعای نخست صحیفه به زیبایی به بیان ویژگی‌ها و صفات توحیدی خداوند پرداخته است و می‌فرمایند:

“الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِأَوَّلِ كَانِ قَبْلَهُ، وَالْآخِرِ بِأَخِرِ يَكُونُ بَعْدَهُ الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَتِهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ، وَعَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ. ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعاً، وَ اخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيَّتِهِ اخْتِرَاعاً...”؛

ستایش از آن خدای اول است که هیچ اولی قبل از او نیست. و مخصوص خدای آخر است که هیچ آخری بعد از او نیست. خدایی که دیدگان هر بیننده‌ای از دیدنش قاصر و اندیشه‌ی هر توصیف کننده‌ای از وصف او عاجز است. جهان آفرینش را با قدرت کامل و مشیت بالغ خویش بی آن که نمونه و الگویی در کار خلق آن وجود داشته باشد، آفرید و...

رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام در مورد توحید و نقش آن در زندگی جمعی و فردی انسانها و ارتباط آن با فضایل اخلاقی اشارات زیادی دارند. ایشان می‌فرمایند هرچه امروز از سختی‌ها و بلاها بر سر مسلمانان می‌آید بر اثر گم کردن سررشته‌ی زندگی در زیر سایه‌ی توحید است. توحید که فقط یک امر ذهنی نیست؛ توحید یک امر واقعی و یک نظام و یک دستورالعمل زندگی است. توحید به ما می‌گوید که با دوستانمان چگونه باشیم، با دشمنانمان چگونه باشیم، در نظام اجتماعی چگونه باشیم و چگونه زندگی کنیم. بعضی خیال میکنند که اعتقاد به توحید، مربوط به بعد از مرگ است؛ درحالی که اعتقاد به توحید، سازنده‌ی این عالم و سازنده‌ی زندگی است. امروز ما به این احتیاج داریم؛ ملت‌های اسلامی به این احتیاج دارند” (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۲۹۶). همانطور که در مطالب مطرح شده رهبر انقلاب علیه السلام بیان شد، توحید فقط به عنوان یک عقیده در ذهن انسان‌ها نیست، انسان توحیدی را باید از اعمال و رفتار او شناخت و در زندگی او توحیدی بودن اعمال او را مشاهده کرد. یکی از جلوه‌های توحید در زندگی دوری از طاغوت و زورگویان تاریخ است،

ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

«اسلام، دین توحید است و توحید یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هرکس به جز خدا؛ یعنی گسستن بندهای سلطه‌ی نظامهای بشری؛ یعنی شکستن طلسم ترس از قدرتهای شیطانی و مادی؛ یعنی تکیه بر اقتدارات بی‌نهایتی که خداوند در نهاد انسان قرار داده و از او بکارگیری آن‌ها را همچون فریضه‌ی تخلف‌ناپذیر، طلب کرده است؛ یعنی اعتماد به وعده‌ی الهی در پیروزی مستضعفین بر ستمگران و مستکبرین به شرط قیام و مبارزه و استقامت؛ یعنی دل بستن به رحمت خدا و نهراسیدن از احتمال شکست؛ یعنی استقبال از زحمات و خطراتی که در راه تحقق وعده‌ی الهی، آدمی را تهدید می‌کند؛ یعنی مشکلات راه را به حساب خدا گذاشتن و خود را به پیروزی حتمی و نهایی امیدوار داشتن؛ یعنی در مبارزه، چشم به هدف عالی که نجات جامعه از هرگونه ستم و تبعیض و جهل و شرک است دوختن و عوض ناکامیهای شخصی و میان‌راهی را نزد خدا جستن؛ و خلاصه یعنی خود را مرتبط و متصل به اقیانوس لا یزال قدرت و حکمت الهی دیدن و به سمت هدف اعلی، با امید و بی‌تشویش شتافتن. همه‌ی عزت و اعتلایی که به مسلمین وعده داده شده، در سایه‌ی چنین ایمان و درک روشن و عمیقی از توحید است. بدون فهم درست و پایبندی عقیدتی و عملی به توحید، هیچ‌کدام از وعده‌های الهی در باره‌ی مسلمانان عملی نخواهد شد» (خامنه‌ای، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۲)

جمع بندی و نتیجه‌گیری

از دیدگاه قرآن کریم، سیمای انسان کامل با ویژگی‌هایی چون تواضع و فروتنی، حلم و بردباری در برابر جاهلان، میانه‌روی در انفاق، یکتاپرستی، احترام به جان انسان‌ها، عفت و پاکدامنی، عدم حضور در مجالس گناه، نیایش در دل شب و داشتن جسم سالم، آمیخته است. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، پرهیزکاران را به عنوان برجسته‌ترین نمونه انسان‌های کامل معرفی می‌کند که دارای فضایل اخلاقی بسیاری هستند. در کتاب صحیفه سجادیه امام سجاد علیه السلام، در بخشی از ادعیه به نام مکارم اخلاقی، ویژگی‌هایی انسان مطلوب در سه

مقوله ارتباط با خدا، زندگی فردی و زندگی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. حضرت سجاد علیه السلام، یکی از راه‌های رشد انسان را از خود گذشتگی و خدمت به خلق می‌داند. همچنین بیان می‌کند که رسیدن به کمال مستلزم زندگی در جامعه سالم و متحد است. حضرت در فرازهای مختلف دعای مکارم الاخلاق معتقد است که همه چیز برای خداست و انسان زمانی به آرامش می‌رسد که بداند خداوند از او راضی است و حامی اوست. آن حضرت درباره‌ی واقع‌گرا بودن انسان و شناخت نفس می‌فرماید، این‌که انسان بداند در برابر بزرگی خدا هیچ است و برای رشد و تعالی، بهتر است خود را به خدا بسپارد. اما آخرین ویژگی انسان سالم، فلسفه وحدت و یکپارچگی شخصیت است که ایشان آن را مهم‌ترین معیار انسان کامل دانسته و به زیبایی به بیان ویژگی‌ها و صفات توحیدی خداوند پرداخته است. رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام نیز به این ویژگی‌ها در بیانات خود پرداخته اند. ایشان نگاه توحیدی داشتن به زندگی را سرمنشاء تمام فضایل اخلاقی و رسیدن به کمال می‌داند. معظم له به خودشناسی و خودسازی سفارش می‌کنند و بیان می‌دارند که این کار مانع تکبر و غرور در انسان می‌شود و حالت تواضع را در انسان ایجاد می‌کند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی‌جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. ابن شعبه حرّانی، أبو محمد الحسن بن علی بن الحسین، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، موسسه النشر الاسلامی (التابعه) لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابوترابیان، مستانه؛ پرچم اعظم. «ویژگی‌های انسان کامل از دیدگاه قرآن»، ششمین همایش پژوهش‌های قرآنی، ۱۳۹۱.
۵. انصاریان، حسین، تفسیر و شرح صحیفه سجادیه، جلد ۸، دارالعرفان، قم، ۱۳۸۳.
۶. خاکسار، منصور. فرهنگ صحیفه سجادیه، کرمانشاه: انتشارات طاق بستان، ۱۳۷۴.
۷. رهنمائی، حسین. «مقایسه «انسان اخلاقی مطلوب» در اسلام و تائوئیسم با تأکید بر «نهج البلاغه» و «تائوته چینگ»، معرفت ادیان، سال دهم، شماره ۱، ۱۳۹۷.
۸. کریم خانی، حمزه. «در ساحل نهج البلاغه (ویژگی‌های انسان کامل)»، گلبرگ، ۶۸، ۱۳۹۵.
۹. شهید ثانی، زین الدین بی‌علی، مصباح الشرایع و مشایح الحقیقه، پیام حق، تهران، ۱۳۷۷.
۱۰. حقانی، حسین، علم النفس اسلامی و بررسی نظرات دانشمندان غرب، دانشگاه الزهراء، تهران، ۱۳۸۵.
۱۱. خامنه‌ای، علی، رهبر معظم انقلاب، بیانات، {بی‌نا}، {بی‌جا}، {بی‌تا}.
۱۲. خامنه‌ای، سید علی، رهبر معظم انقلاب، فلسطین از منظر حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (ﷺ) رهبر معظم انقلاب اسلامی، موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، {بی‌تا}.
۱۳. خامنه‌ای، سید علی، رهبر معظم انقلاب، مکتوبات، {بی‌نا}، {بی‌جا}، {بی‌تا}.
۱۴. خامنه‌ای، سید علی، رهبر معظم انقلاب، گام دوم انقلاب، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آیت الله خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد هشتم، صدرا، تهران. ۱۳۷۷.